

انسان صبح طلوع آفتاب آذان ظهر غروب آفتاب افان مغرب
۰۴:۴۹ ۰۶:۱۲ ۱۱:۵۲ ۱۷:۴۹ ۱۷:۴۹

راز زندگی در ایجاد آرامش در میان
هرج و مرج است.

برایان تریسی



گر دوست جان و سر
طالبانستادهایم
پارن بدین قدر بکنند
احتمال دوست
سعدی

کنون که چشمه قند است لعل نوشینات
سخن بگوی و ز طوطی، شکر دریغ مدار
مکالم توبه آفاق می تزدشاعر
از او وظیفه و زاد سفر دریغ مدار

صاحبان عزیز و سوسه هاگان اندیشه زمان
مدیر مسئول: محمود جعفری سردبیر: باقره جعفری
نشانی: کرج، باور تلویزیون، خیابان فرهنگ، جنب کانون
کارتنامه: سعید دادگستر
تلفن: ۰۲۶۵۳۳۳۳۳-۳۳۵۳۳۳۳۳-۰۲۶۵۳۳۳۳۳
۲۲۵۲۰۰۱
این روز در طرح ازبانی کینی وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی، ۲۷۱۸۰
چاپ: کاژر

گزارش روز

طالقان؛ راوی ماندگار قلم و هنر



شماری از بزرگان خوشنویسی ایران را در حافظه فرهنگی خود دارد و سنت کتبت در آن با آموزش، دانش و فرهنگ پیوند خورده است. شناخت و معرفی کاتبان، گردآوری اسناد و نسخه‌های خطی، ثبت روایت‌های پیشکسوتان و حمایت از هنرمندان جوان می‌تواند به حفظ و تدوین این میراث کمک کند. پساوندت چنین پیشینه‌ای، تنها یادآوری افتخارات گذشته نیست؛ بلکه تلاشی برای انتقال سرمایه‌های فرهنگی به نسل‌های آینده است. ۲۱ مهرماه، هفته خوشنویسی گرامی باد.

کاتبان و صاحبان خط‌رادر دوره‌های مختلف شناسایی کرد. تکمیل این شناخت، نیازمند پژوهش در اسناد تاریخی، فهرست نسخه‌های خطی و آثار باقی‌مانده از کاتبان این منطقه است؛ پژوهشی که می‌تواند تصویری دقیق‌تر از گستره و جایگاه خوشنویسی در طالقان ارائه دهد.

پاسداشت میراث خوشنویسی طالقان

هفته خوشنویسی فرصتی است تا یاد دیگر به پیشینه این هنر در طالقان توجه کنیم؛ سرزمینی که نام

نسخنویسان در دوره‌های مختلف به نسل‌های بعد رسیده است. از این منظر، خوشنویسی را باید هنری دانست که در حفظ و انتقال دانش و فرهنگ نیز نقشی اساسی داشته است.

از درویش عبدالمجید طالقانی تا استاد غلامحسین امیرخانی

هنگامی که از خوشنویسی طالقان سخن می‌گوییم، نام درویش عبدالمجید طالقانی جایگهی ویژه دارد. او از چهره‌های برجسته تاریخ خوشنویسی ایران و از استادان نامدار خط شکست‌ناقص است که نامش با این شیوه هنری پیوندی ماندگار دارد. آثار و شیوه نگارش او بخشی از میراث ارزشمند خوشنویسی ایران محسوب می‌شود.

در روزگار معاصر نیز استاد غلامحسین امیرخانی از چهره‌های شاخص خوشنویسی ایران است که زادگاهش طالقان بوده است. حضور چنین نام‌هایی در تاریخ خوشنویسی کشور، ظرفیت فرهنگی این منطقه را برجسته می‌کند و ضرورت توجه بیشتر به پیشینه هنری و معرفی مفاخر آن را یادآور می‌شود. بر پایه بررسی‌ها و روایت‌های مطرح‌شده درباره خوشنویسان طالقانی، می‌توان شمار قابل توجهی از

بودند و همین توجه، از سال‌های نخست آموزش در میان دانش‌آموزان تقویت می‌شد. در فرهنگ روستایی طالقان، افرادی که خطی زیبا و خوانا داشتند، گاه با عنوان «میرزا» شناخته می‌شدند و به دلیل توانایی در نگارش نامه‌ها، اسناد و متون مختلف، از احترام و اعتماد مردم برخوردار بودند. این جایگاه اجتماعی نسل‌ها می‌دهد که خوش خطی در گذشته صرفاً یک توانایی فردی یا هنری نبود، بلکه مهارتی کاربردی و مورد نیاز در زندگی اجتماعی مردم به شمار می‌رفت.

کاتبان طالقانی و میراث نسخه‌های خطی

خوشنویسان و کاتبان طالقانی در نگارش کتاب‌ها، به‌ویژه قرآن کریم، سهمی قابل توجه داشته‌اند. بررسی نسخه‌های خطی و فهرست‌های مربوط به آثار موجود در کتابخانه‌ها می‌تواند ابداً این فعالیت فرهنگی را روشن‌تر کند. بسیاری از کاتبان در دوره‌های گذشته، افزون بر کتبت متون دینی، به نگارش آثار علمی و ادبی نیز می‌پرداختند. آثار در حوزه‌های فقه، حدیث، فلسفه و حکمت، پزشکی، ریاضیات، ادبیات و تاریخ، بخشی از میراث مکتوبی را تشکیل می‌دهند که به کوشش کاتبان و

مهدی آهنگری-با اندکی دقت و جست‌وجو در فرهنگ، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی مردم طالقان، به افتخاراتی برمی‌خوریم که از عمق نفوذ هنر و ذوق ادبی در لایه‌های مختلف زندگی مردم این خطه حکایت دارد. اگر بگوییم خوشنویسی در فرهنگ طالقان حضوری دیرپا داشته و نسل‌های مختلف باین هنر مأیوس بوده‌اند، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. آهنگ قلم و زیبایی خط، در این سرزمین بخشی از سنت فرهنگی مردم بوده و خوشنویسی همواره با ذوق، شوق و علاقه آنان به کتبت پیوند داشته است. برای شناخت جایگاه خوشنویسی در طالقان، باید به نشانه‌ها و شواهد تاریخی این هنر توجه کرد؛ شواهدی که از نقش آموزش‌های سنتی، مکتب‌خانه‌ها و فعالیت کاتبان در انتقال دانش و فرهنگ حکایت دارند.

مکتب‌خانه‌ها؛ خاستگاه آشنایی با خط خوش

یکی از نکات مهم در بررسی پیشینه خوشنویسی طالقان، وجود مکتب‌خانه‌ها و دارالقرآن‌ها در بسیاری از روستای این منطقه است. این مراکز در کنار آموزش خواندن و نوشتن، زمینه آشنایی کودکان و نوجوانان با کتبت و اهمیت خط خوش را فراهم می‌کردند. معلمان نیز برای خوش‌نویسی اهمیت ویژه‌ای قائل

مکتب

گذر کاخ سفید برای بزرگ چهره غرب به آکروپولیس افتاد!

از کریستف کلمب و سفر ماژلان یاد می‌کند و نام هرنان کورتس، استعمارگر اسپانیایی، را در امتداد سنت اکتشاف و جست‌وجوی ناشناخته‌ها قرار می‌دهد؛ بدون آن که بیان کند که هرنان کورتس صرفاً جهانگردی نبود که برای شناخت سرزمینی ناشناخته قدم به آن گذاشته باشد. او فرمانده لشکر کشی اسپانیا به قلمرو آن‌تکها بود؛ لشکر کشی‌ای که در سال ۱۵۲۱ به سقوط پایتخت امپراتوری آزتک، آتلاکید در نهایت موجب گسترش سلطه استعماری اسپانیا، محاصره و شیوع رنج و سختی و بیماری‌های واگیردار در میان بومیان منطقه شد. بااین‌حال، آنچه رویو می‌کوشد از این گذشته تاریخی بسازد، تصویری از شجاعت و روح فروخته کورتس است؛ پس اگر چنین است، چرا وقتی از خشیارشاه حرف می‌زنیم، حمله به آن به نشانه‌ای از خشونت و ویرانگری تبدیل می‌شود؟ اما وقتی از کورتس حرف می‌زنیم، می‌توانیم از کنجکاوی، اکتشاف و جسارت سخن بگوییم و ویران کردن یک سرزمین را به حاشیه برانیم؟

بله، درست است که در این گزارش قرار نیست حمله خشیارشاه به آن و فتح امپراتوری آن‌تکها را دو واقعه یکسان بدانیم؛ این دو رویداد در بسترهای تاریخی متفاوتی اتفاق افتادند. مسئله، تفاوت میان آن‌ها نیست؛ مسئله، نقشه رویو رویو متحرک کردن افکار عمومی از واقعیت‌ها است؛ اگر خشونت سپاه ایران باید در مرکز روایت قرار بگیرد، چرا خشونت فاتحان اروپایی نباید به همان اندازه دیده شود؟ اگر حمله به آن نشانه ویرانگری است، پس کشتار و سلطه بر بومیان مناطق مستعمره در تاریخ آمریکایی‌ها چه نامیده می‌شود؟ جواب این سوالات چیزی جز همان قاپ بندی عادلانه رویو نیست؛ عملکردی که در آن، تاریخ به ابزاری برای سیاستمداران دیگرو ملت‌ها و سفیدنامه‌ای غربی‌ها تبدیل می‌شود که در چنین روایت‌هایی برای طرف مقابل کیفرخواست می‌نویسند و برای طرف غربی، شرح افتخارات تنظیم می‌کنند؛ گویی وقایع تاریخی، بسته به اینکه چه کشوری آن را انجام داده باشد می‌تواند طبعی از نامهای فتح غرور مندان یا حمله ناجوانمردانه به خود بگیرد.

آمریکایی‌ها به ابزاری برای نمایش برتری غرب تبدیل شده است که هر آنچه که با این تصویر سازگار نباشد، از قاپ بیرون می‌گذارد و دست به ساخت روایتی می‌زند که می‌خواهد غرب را همزمان وارث دموکراسی، مهد آزادی و معیار سنجش تمدن معرفی کند، بی‌آنکه مجبور شود درباره فاصله ادعای دروغینش با عملکرد حقیقی خود پاسخ گوید.

دموکراسی آتن: روی دیگری از تاریخ که در سخنرانی رویو جای ندارد

اما برای فهمیدن بخش حذف شده تاریخ، آن هم به دست همان کشورهایی که دشمنان تمدنی چندصدساله دارند اما امروز داور تمدن‌های چند هزارساله شده‌اند، حتی لازم نیست از آن چندین دور شویم. در سال ۴۱۶ پیش از میلاد، پس از شکست آتن در مقابل سپاه خشیارشاه، آتنی‌ها تصمیم گرفتند جزیره ملوس را محاصره کنند اما ساکنان جزیره که حاضر نبودند زیر سلطه آنها بروند مقاومت کردند و در نهایت مغلوب دشمنان خود شدند و مردان باقی که به دست آتنی‌ها افتادند، کشته و زنان و کودکان به بردگی فروخته شدند. وقعه‌ای که تئوسیدید تاریخ نگار یونانی در کتاب پنجم تاریخ جنگ پلپونزی آن را ثبت و ضبط کرده است. یعنی همان آتنی‌هایی که امروز از زبان رویو به‌عنوان پیشگامان دموکراسی ستایش می‌شوند، وقتی با مردمانی روبرو شدند که نمی‌خواستند تحت فرمانشان باشند، به کشتار و جنایت متوسل شدند که در این باب باید به فرنگی‌ها و فرنگی‌مآب‌ها گفت که تاریخ را نمی‌توان فقط تا جایی برای دیگران روایت کرد که در قهرمانان مورد علاقه‌شان همچنان قهرمان باقی بمانند!

چه شد که کورتس فاتح شد و خشیارشاه ویرانگر؟

البته رویو تنها به آن و دموکراسی آن پسنده نمی‌کند و در ادامه، قاپ روایتگری اش را بر روی سفرهای اکتشافی، استعمار سرزمین‌ها و شخصیت‌های تنظیم می‌کند که در نظرش، نماینده روح کنجکاو و جسور غرب هستند.



استقلال و راهی از استعمار را حتی در فکر خود می‌پروراند، می‌فشارد اما قاپ بندی رویو از تاریخ به همین جا ختم نمی‌شود. او سپس به سراغ ستایش دموکراسی آتن رفت و مدعی شد ویژگی‌هایی مانند جاه‌طلبی، شجاعت و خطرپذیری از یونان باستان به ارث رسیده‌است؛ گویی تاریخ چند هزار ساله بشر را می‌توان در روایتی خلاصه کرد که در آن، غرب وارث فضیلت است و دیگران سهمی جز ایستادن در حاشیه این تمدن خودخوانده ندارند.

اما اگر قرار است از دموکراسی آتن بگوییم، چرا فقط آن بخشی از تاریخ را به یاد بیاوریم که به مذاق سیاستمداران آمریکایی خوش می‌آید؟ برای فهم تمام ماجرا، کافی است کمی بیشتر در همان برهه از تاریخ بمانیم تا تصویر ناقصی که رویو می‌کوشد از غرب بسازد، ترک بردارد. حقیقت این است که دموکراسی آتن، با تمام اهمیت تاریخی‌اش، شامل همه ساکنان شهر نمی‌شد. زنان و مهاجران مقیم آتن از مشارکت سیاسی برابر محروم بودند و تصمیم‌گیری در مجمع عمومی عمدتاً در اختیار مردان شهروند قرار داشت. پس این چه روایتی از تاریخ است که در آن، از دموکراسی آتنی سخن می‌گویند، اما محرومیت بخش بزرگی از جامعه از حقوق سیاسی را نادیده می‌گیرند؟ گویی که آن برای

نهفته در پس آن داریم، در وهله اول ممکن است همه چیز طبق گفته‌هایش درست به نظر برسد. همان‌طور که هرودوت، تاریخ‌نگار یونانی، در کتاب هشتم «تاریخ‌ها» از مقاومت گروهی از آتنی‌ها در آکروپولیس و شکست نهایی آن‌ها به دست سپاه هخامنشی می‌نویسد.

اما مسئله، صرف روایت تاریخ، آن هم از زبان یکی از اعضای دارودسته قماربازان که جهان را به آشوب کشانده است، نیست؛ مسئله اینجاست که رویو از میان آتیوه رویدادهای تاریخی، این واقعه را انتخاب می‌کند، آن را به نقطه آغاز روایت ختم تبدیل و سپس از همان نقطه به دفاع از قدرت و برتری غرب می‌رسد. او تلاش عیثی می‌کند تا توحش‌هایی را که کشورش در جهان روا می‌دارد، پشت چنین روایتی توجیه کند که ایران جزو تمدن‌هایی است که همواره صلح را در جهان از بین می‌برد و در ذهن مخاطب، ایران و جهان باستان را به نحوی به تصویر بکشد که گویی چیزی جز ویرانگری و خشونت در آن یافت نمی‌شود.

عجب تلاش بیپه‌ده‌ای! آن هم در روزگاری که دیگر جهانیان می‌دانند کشوری که بوی توحش و حیوان‌فشی از آن برمی‌خیزد، درست در غربی‌ترین نقطه کره زمین جا خوش کرده است و چنگال‌های تیزش را بر گلو هر کشوری که

حکایت این روزهای سیاست خارجی آمریکایی همسان ضرب‌المثل معروف است که می‌گوید یک‌طرفه به قاضی برو و راضی برگردا حکایتی که این روزها، در سیاست خارجی آمریکا به خوبی می‌توان رد آن را پیدا کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، حکایت این روزهای سیاست خارجی آمریکاهمان ضرب‌المثل معروف خدامند است که می‌گوید «یک‌طرفه به قاضی برو و راضی برگردا» درست مثل سخنرانی چندروز پیش رویو که مقابل خبرنگاران، تاریخ را به قضاوت فراخواند اما گویی که پیش از آغاز محامه، حکم را با این قصد که آن‌چه را که برایش از دل تاریخ سودمند است به مخاطبانش عرضه کند، صادر کرده باشد؛ یک‌طرفه به قاضی رفت و راضی از آن بیرون آمدا کاری که در علم ارتباطات به آن «قاپ بندی رسانه‌ای» می‌گوییم و کارکرد این مفهوم چنین است که، لزوماً خود واقعیت در روایت‌گری تغییر نمی‌کند؛ بلکه آنچه تغییر می‌کند، نحوه انتخاب، تنظیم، برجسته‌سازی و تفسیر رویدادهاست. به این ترتیب، ممکن است از دل مجموعه‌ای از واقعیت‌های تاریخی، روایتی شکل بگیرد که مخاطب را به برداشتی خاص از یک رویداد یا حتی یک تمدن برساند که رویو در سخنرانی‌اش با استفاده از همین مفهوم، از وقایع تاریخی، تصویری از تمدن غرب ساخت که در آن، دموکراسی، شجاعت و وفاداری به وطن، متعلق به غربی‌اند و در مقابل، خشونت و ویرانگری به چهره تمدن‌های دیگر که می‌خورند.

از آکروپولیس تا کاخ سفید: راه دراز است!

سخنرانی رویو در هفتم اکتبر، در تپه پنیکس آتن، در حالی انجام شد که آکروپولیس (همان دژی که سپاه خشیارشاه پیش از دو هزار و چهارصد سال پیش به آن حمله کرد) در پس‌زمینه او قرار داشت. رویو حرف‌هایش را با یادآوری همین واقعه آغاز کرد و از مردم آتن گفت که حاضر نشدند شهروندان را ترک کنند و در آکروپولیس سنگر گرفتند تا در برابر سپاه ایران بایستند. چنانچه از نگاه می‌کند که به سخنان رویو و نیت شوم سیاسی